

اخبار فرهنگی

مدیر کل توسعه گر دشگری داخلی وزارت میراث

خبر داد:

۸ روستای ایران در فرآیند انتخاب روستای جهانی



مدیر کل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث، گفت: روستاهای منتخب جهانی گردشگری کشورمان طبق بررسی روند سنوات گذشته، از لحاظ معیارهای فرهنگی، تاریخی و طبیعی با جاذبه‌های گردشگری منحصر به فرد، امتیازات بالایی را در فرایند انتخاب روستای جهانی از سوی سازمان گردشگری ملل متحد (UN Tourism) کسب کرده‌اند. به گزارش روابط عمومی معاونت گردشگری، سید مصطفی قاضی در وینار با نمایندگان و مسئولین پرونده‌های روستاهای منتخب جهانی در ۸ استان افزود: پس از اینکه ۸ روستا شامل روستاهای سهیلی هرمزگان، کندلوس مازندران، پالنگان کردستان، موئیل اردبیل، حسنلو آذربایجان غربی، شفیع آباد کرمان، برغان البرز و فیهرچ یزد منطق با معیارهای سازمان ملل متحد گردشگری ویژه سال ۲۰۲۵ انتخاب و معرفی شدند و تکمیل پرونده‌های آنها در دستور کار قرار گرفت.
بنابر این گزارش، انتخاب ۸ روستای گفته شده ویژه سال ۲۰۲۵ این گونه بوده است که همانند سنوات گذشته با همکاری ادارات میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ها و همین طور اعضای میز ملی گردشگری روستاها متشکل از دستگاه‌هایی از جمله معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری، بنیاد مسکن، وزارت کشور، فعالان بخش خصوصی گردشگری و اعضای ستادی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هستند، لیستی از ۱۳۰ روستا به عنوان روستای ملی گردشگری ایران تهیه شد که در نهایت با توجه به شاخص های اعلامی از سوی سازمان گردشگری ملل متحد، ۸ روستا از این لیست به عنوان روستاهای نماینده ایران برای شرکت در این رویداد بین‌المللی انتخاب شدند. این در حالیست که کشورمان توانست طی دو سال قبل روستاهای کندوان و اصفهک را در لیست روستاهای جهانی بگنجاند و از این فرصت ویژه تبلیغات و معرفی کشورمان در سطح بین‌المللی بهره‌برد.

□□□

نمایش «گل های کاغذی» و «فصل پریدن» در مسکو



انیمیشن های کوتاه «گل های کاغذی» و «فصل پریدن» از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، در بخش اصلی پنجمین جشنواره سینمای حقیقی در مسکو روی پرده می‌روند. به گزارش روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، انیمیشن های کوتاه «گل های کاغذی» (رامک امین کاظمی) و «فصل پریدن» (شاهنگ کیانی) در بخش اصلی پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی سینمای حقیقی (واقعی) در کشور روسیه، روی پرده می‌روند. بر گزار کننده و کاخ اصلی این جشنواره موزه پیروزی است. این جشنواره به عنوان بستری خلاق برای تعامل با جوانان طراحی شده است. فیلم‌های این دوره در مراکز کودکان روسیه، انجمن موزه‌های تاریخی - نظامی و مدرسه موزه پیروزی و دیگر سینماها لکران می‌شوند. مرکز گسترش، این دو فیلم را به جشنواره سال ۲۰۲۱ از دیپشتم‌ماه در مسکو بر گزار می‌شود.

□□□

علیرضا کاوتی درگذشت

علیرضا کاوتی فراگوزلو، نویسنده، پژوهشگر و مترجم در ۸۲ سالگی در گذشت. به گزارش ایسنا، علیرضا کاوتی فراگوزلو که دیروز چهار شنبه، ۲۰

فروردین از دنیا رفت، از پژوهشگران و نویسندگان معاصر است که در چهار دهه گذشته آثار متعددی از او در زمینه ادبیات فارسی و عرفان اسلامی منتشر شده‌است. او نقدهای بسیاری بر آثار کلاسیک ایران نوشته، تحقیق و ترجمه کرده در رشته ادبیات تحقیقی و نیز ترجمه از عربی به فارسی آثار متعددی پدید آورده است. از جمله کتاب‌هایی چون «عرفانیات» و «عمر خیام» و ترجمه «تمدن اسلامی در قرن چهارم و پنجم» از آثار اوست. وی جزء هیئت مؤلفین دائرةالمعارف تشیع بود و با بنیاد دائرةالمعارف اسلامی و دانشنامه جهان اسلام همکاری مداوم داشت. از او مقاله‌های بسیار زیادی در حوزه فرهنگ و دین در دست است.

□□□

«ماه بالای سر آبادی» مستندی از آرزوهای دانش آموزان روستایی



مستند «ماه بالای سر آبادی» ساخته «مسعود زارعیان» مستندساز مطرح مشهدی است که زندگی واقعی دانش آموزان روستایی و خدمات هلال احمر به آنان و تلاش‌شان برای تحقق آرزوهای ا به تصویر می‌کشد. کارگردان این مستند به خبرنگار ایرنا گفت: هلال احمر در استان های محروم کشور مجتمع‌هایی را برای اسکان دانش آموزان روستایی ایجاد کرده است که این مجتمع‌ها علاوه بر امکانات اقامتی، بر نامه‌های ویژه‌ای از جمله بازدید از پروژه‌های پیشرفت کشور را برای دانش آموزان تدارک دیده‌اند، در طرح مستندسازی مزبور، به جای معرفی صرف مجتمع‌ها، به سراغ داستان زندگی این نوجوانان رفته‌است. مسعود زارعیان اظهار کرد: این مستند با تمرکز بر آرزوهای و رویاهای این دانش آموزان، مواعی را که برای رسیدن به اهدافشان با آن روبرو هستند به تصویر می‌کشد، از بازیگر شدن تافوق تبلیست حرفه‌ای شدن، هر کدام از این نوجوانان هدفی خاص را دنبال می‌کنند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. وی نکته قابل توجه در این مستند را وجود دانش آموزان نخبه در این مجتمع‌ها دانست به طوری که برخی از آنان مدال‌های المپیادهای علمی رانیز کسب کرده‌اند. زارعیان ادامه داد: این مستند تلاش می‌کند تا علاوه بر روایت زندگی این نوجوانان و نمایش آرزوهایشان، به محرومیت‌های موجود نیز اشاره‌ای داشته باشد و به نوعی مطالبه‌گری را نیز در خود جای دهد، با این حال روح حاکم بر این مجموعه امید به آینده است.

نوع ایرانی



در باره نمایش «جریده» به نویسندگی و کارگردانی حسین خدیاری کارگرانی که توان همبستگی ندارند



محمدحسین خدیایی

نمایش «جریده» را می‌توان ذیل شکلی از ساخت و ساز تئاتر دانشگاهی فرض گرفت که می‌خواهد به مسائل کارگری در یک وضعیت روستایی در حاشیه‌های شهرهای بزرگ بپردازد و در این مسیر با تمرکز بر یک جغرافیای فرضی و کمابیش آشنا، این گفتار را صورتبندی کند که گویی مردمان این مناطق چندان که باید واجد فهم طبقاتی نبوده و در فقدان همبستگی و آرمان‌های مشترک، هر روزه بیش از پیش، زندگی‌شان به محاق رفته و از آنان عاملیت‌زدایی شده و امکان تغییر وضعیت ناگوار خویش را از کف می‌دهند. با نگاهی به کلیت اجرایی که حسین خدیاری در مقام نویسنده و کارگردان تدارک دیده و این شب‌ها در سالن اصلی تالار مولوی بر صحنه برده است، می‌توان با

میراث

شهرداری و میراث زیر بار مرمت مرکز فرماندهی مشروطه خواهان نمی‌روند

خطر فروریختن خانه باقرخان «سالار ملی» در تبریز

مریم جلیلووند فرد



خانه تاریخی منتسب به باقرخان، سالار ملی از قهرمانان جنبش مشروطه ایران با وسعت ۴۸۵۰ متر مربع در تبریز رها شده و احتمال فروریختن آن به دلیل فرسایش بنا فراتر از پیش یافته است.

خانه تاریخی باقرخان متعلق به دوره قاجار است و در فهرست آثار ملی کشور ثبت نیز شده است. این خانه که در کوچه «سالار دربندی» محله تاریخی «خیوان» تبریز قرار دارد، در جنگ‌های ۱۱ ماهه مشروطه خواهان به فرماندهی باقرخان «سالار ملی»، مرکز فرماندهی مشروطه خواهانی بود که بعدها به تهران رسیدند و فتح تهران را رقم زدند.

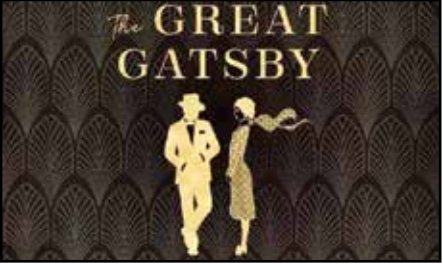
چالش تملک مرکز فرماندهی مشروطه خواهان در تبریز

خانه قاجاری و ثبت ملی شده باقرخان به دلیل اختلاف ورهٔ این ملک مدت‌ها است امکان تملک نیافته و شهرداری و میراث فرهنگی نیز اقدامی برای مرمت و احیای این بنا به دلیل نامشخص بودن تکلیف تملک آن انجام نداده‌است.

احمد حمزه زاده، مدیر کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی پاییز سال گذشته گفته بود که «تعدد وراث و اخذ ضایات از آن‌ها تملک کامل خانه باقرخان را دشوار کرده است.»

به مناسبت صدمین سالگرد دانتشار «گتسبی بزرگ»؛

گتسبی هنوز میان ماست، فقط لباسش عوض شده



گذشته را بازسازی کند و دوباره عشق دیزی را به دست آورد ولی این تلاش هاسر انجمنی تلخ دارد و داستان با پائانی تراز یک به اتمام

و مردان خانواده را مشاهده می‌کنیم که در یک محیط کارگری، گونی‌های بزرگ را بر روی هم قرار داده و طناب پیچ می‌کنند تا به بازار ارسال شود.

ماجرای نمایش در رابطه با عده‌ای از اهالی یک روستای کوچک در نزدیکی یکی از شهرهای بزرگ کشور است که نسبت به ساعت کاری خویش معترض بوده و تلاش دارند به هر شکل ممکن به اصلاح امور بپردازند تا شاید زمان بیشتری در طول روز در اختیارشان باشد و یافتن شغل دوم یا حتی سوم ممکن شده و درآمد بیشتری نصیب آنان شود. بنابراین جای تعجب نخواهد بود که روستاییان به نامه‌نگاری متوسل شده و بی‌المثل وزارت کار را خطاب‌کنند و در پی احقاق حقوق خود باشند. بی‌آنکه به درستی ببندند چه حق و حقوقی دارند.

حال می‌توان با فاصله گرفتن از منطق اجرایی نمایش این پرسش را مطرح کرد که آیا رویکرد رالیستی کارگردان در مواجهه با واقعیت بیرونی و بازنمایی بی‌واسطه‌اش توانسته مازادی بیش از «توصیف وضعیت» باشد و به لحاظ فرم اجرا، پیشنهاد تازه‌ای برای آشکار کردن منطق سرمایه‌داری در ایران امروز ارائه کند. به هر حال وقتی یک اجرا به مسائل کارگری و تضادهای کار و سرمایه می‌پردازد می‌بایست نیم‌نگاهی به تئاترهای گذشته‌ای بیندازد که بر صحنه آمده‌اند و منطق خشونت‌بار سرمایه‌داری نتولید لیر را از خلاقانه و رادیکال آشکار کرده‌اند. بر تولت برشت به عنوان یک متفکر و هنرمند چپ‌گرا، نمونه بسیار خوبی در این زمینه است. برشت با نگاهی دیاکتیکی به نبردهای طبقاتی در دوران

سرمایه‌داری پسین، با مهارت توانسته است محل منازعه نیروهای اجتماعی را روشن کند و به فهم طبقه کارگر از جایگاه سیاسی‌اش در این نبرد بی‌امان یاری رساند. جالب آن‌که این روزها حتی جهان برشت هم از پس فریبکاری‌های جهان سرمایه‌داری به تمامی برنمی‌آید و شاهد هستیم که چگونه رویکردهای «پسا-برشتی» در این زمینه یکار گرفته می‌شود. چرا که بسیاری از اجراهای پیشرو تئاتری، بنابر تغییرات حاد سیاسی و اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که استراتژی زیباشناسانه تئاتر سیاسی برشت از پس توضیح و تفسیر منطق سرمایه‌داری جهانی برنمی‌آید و بهتر است جهان برشتی را چنان توسعه داد تا شاید با استفاده از پتانسیل‌های آثارش، مناسبات ناعادلانه کاپیتالیسم پیشرفته را به نوعی آشکار کرده و با زیباشناسی رادیکال‌تری به جنگ منطق سرکوبگر سلطه و سرمایه رفت. از این باب به نظر می‌آید حسین خدیاری و گروه جوان تئاتری‌اش، به میزان لازم رادیکال نیستند و همچنان فرم رئالیسم اجتماعی را بهترین شکل رویت‌پذیری زیست‌مردمانی می‌دانند که در کشاکش دانست که

امسا با تمامی نکاتی که ذکر شد همچنان برشت را می‌توان در این زمینه یاری‌رسان گروه‌های جوان تئاتری دانست که

دغدغه‌های

در نهایت می‌توان گفت با اجرایی جمع‌وجور و روبرو هستیم که دغدغه امر اجتماعی دارد و رویت‌پذیر کردن چهره مخدوش‌شده کارگران را هدف خود قرار داده است. کارگرانی که توان سازماندهی نیروهای خود را از دست داده‌اند و از فقدان آگاهی طبقاتی رنج می‌برند. حسین خدیاری اگر جسارت بیشتری به خرج دهد و به لحاظ فرم اجرایی، تجربیات تازه‌ای را امتحان کند بی‌شک می‌تواند یکی از کارگردان جوانی باشد که به مناسبات کارگری می‌پردازد تا شاید واقعیت تلخ و پنهان این قبیل فضاها را بیش از گذشته عیان کنند. در همان دقایقی که نامه‌ها به مقصد نمی‌رسند و امیدهای واهی به رسوایی‌های کوچک و بزرگ ختم می‌شود.



از بین برود.»مدیرعامل انجمن مرمت استان آذربایجان شرقی، با اشاره به مشکل تملک کامل خانه تاریخی باقرخان (سالار ملی) گفت: «این مشکل البته تنها محدود به تملک بنامی شود و میراث فرهنگی و شهرداری تبریز نیز در حفاظت و مرمت از این بنای تاریخی دچار تعارض با یکدیگر شده و توپ مرمت و احیای این بنای از رزشمند را در زمین یکدیگر می‌اندازند.»

جنگ زنگری نبود اعتبار بلای جان خانه قاجاری تبریز

مهر داد عظیمی تاکید کرد: «به دلیل تعارضات میراث و شهرداری، خانه ثبت ملی شده باقرخان، «سالار ملی» در تبریز به حال خود رها شده است. شهرداری تبریز مدعی است که فقط تملک بنای قاجاری ثبت ملی شده خانه باقرخان وظیفه این دستگاه است و نمی‌تواند بودجه مرمت بنابر هاست رها شده و بدون بودجه مرمت و احیاء به حال خود رها شده است.

مدیرعامل انجمن مرمت استان آذربایجان شرقی، با اشاره به منتفی شدن قرارداد انجام مطالعات اولیه مرمت خانه تاریخی باقرخان با شهرداری تبریز به دلیل جسدال اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی با شهرداری تبریز افزود: خانه باقرخان در محوطه‌ای بزرگ سال هاست رها شده و بدون بودجه مرمت و احیاء به حال خود رها شده است.

این فعال میراث فرهنگی با اشاره به وضعیت بهتر مرمتی خانه ستارخان (سردار ملی) در تبریز که بودجه مرمت دریافت کرد و پس از مرمت کاربری اداری یافته و امکان بازدید عموم گردشگران از آن وجودندار افزود: «متأسفانه آثار تاریخی استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز

آنگونه که شایسته این آثار است در ایران شناخته نشده است.»گفتنی است خانه تاریخی باقرخان، «سالار ملی» به همراه ۱۵ اثر تاریخی دیگر در شهر تبریز شامل، مدرسه سمیه (کنسولگری سابق آلمان)، خانه ارجمند، حمام نوپهار و خانه اصغر نژاد سال ۹۹ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. اما از آن سال تاکنون هیچ اقدامی برای مرمت و احیای این خانه تاریخی از رزشمند صورت نگرفته و تنها ویرانه‌ای از مرکز فرماندهی مشروطه

خواهان در بافت تاریخی شهر تبریز بر جای مانده است.



آمریکایی تواند بایاید گسترش یابد و شامل مهاجران، زنان و رنگین پوستان شود، موضوع تازه‌ای محسوب می‌شود.

خود فیتز جرال دگفته که رمانش درباره «آرزو است ولی آرزو موفقیت را تضمین نمی‌کند. به یاد داشته باشید که جی گتسبی، شخصیتی که تلاش می‌کند، که دست‌هایش را به سوی آن چراغ سبز برساند. چراغ سبزی که در انتهای اسکله‌ی خانه دیزی می‌درخشد، برای گتسبی نماد رویا و امید رسیدن به دیزی است و حالا در دنیای معاصر این چراغ نماد رویای آمریکایی است که شهروندان کشور در آرزوی آن است و شاید به خاطر همین این کتاب در لیست کتاب‌های ممنوعه در کتابخانه مدارس آمریکا اعلام شده است. فیتز جرال در «گتسبی بزرگ» بالحنی بیش‌گویانه نشان می‌دهد که وقتی رویا بر پایه ظاهر، ثروت، و گذشته ساخته شود، محکوم به شکست است. این پیام حتی امروز و در عصر شبکه‌های اجتماعی و خودنمایی دیجیتال، از همیشه زنده‌تر است. گتسبی هنوز میان ماست، فقط لباسش عوض شده.

می‌رسد که به نوعی نویسنده از این پایان با نامداد فول‌رویای آمریکایی و شکاف طبقاتی عمیق جامعه یاد می‌کند.

در صدمین سالگرد انتشار این رمان و عرضه اولین نسخه‌های آن در نمایشگاه کتاب‌های عتیقه لندن در ماه ژوئن امسال رادیو ملی آمریکا نگاهی تازه به ادبیات عرضه شده توسط فیتز جرال انداخته و ستون نویس این رسانه آمریکایی اعتقاد دارد که هنوز گتسبی در سال ۲۰۲۵ حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. به اعتقاد این رسانه شخصیت اصلی رمان در یک‌بار می‌فرار هستند که در عصر مدرن جدید لذت می‌برند. عصری که اضطراب‌هایش در لحظه‌های مالدیوار، باشت تازه ظاهر شده است. نیویورک پس از جنگ جهانی اول با موج عظیم دوم مهاجران، عمدتاً از شرق و جنوب اروپا، که در اواخر دهه ۱۸۸۰ به شهر سرازیر شده بود، دگرگون شده بود. تا سال ۱۹۲۰، تنها ۱ میلیون از ۶ میلیون ساکن شهر سفیدپوست وبومی بودند.

گتسبی بزرگ علاوه بر اندیشیدن در مورد اینکه چقدر رویای